



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و چهارم - زمستان ۱۳۹۶ - از صفحه ۱۳۰ تا ۱۴۸

جلوه‌های تمثیل و ارسال مَثَل در شعر سید اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال)*

رضاموسی آبادی^۱، مهدی نوروز^۲، بتول فخراسلام^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

چکیده

سید اشرف الدین گیلانی معروف به نسیم شمال از شاعران برجسته عصر مشروطه است که شعر و رسالت شاعری خود را در به تصویر کشیدن مشکلات اجتماعی و جریان‌های سیاسی عصر خویش به کار گرفت. وی با وجود خفقان و استبداد حکام خودکامه قاجار، توانست افکار انسانی و اندیشه‌های آزادی‌خواهانه خود را با استفاده از فنون بلاغی به ویژه تمثیل و ارسال مَثَل به گوش بیداردلان جامعه برساند. پژوهش حاضر بر آن است با تکیه بر شیوه توصیفی-تحلیلی، جلوه‌های تمثیل و ارسال مَثَل را در اشعار نسیم شمال بررسی نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نسیم شمال به دلایل سیاسی و خفقان حاکم بر زمانه خویش و گاه به دلیل زیبایی سخن و تأثیرگذاری بیشتر از آرایه ادبی تمثیل و ارسال مَثَل استفاده کرده است؛ لذا تمثیل‌های امروزی در دیوان او بسامد بالایی دارد و همین شیوه باعث دلنشینی و شکوه‌مندی زبان شعری وی شده است.

کلید واژه‌ها: نسیم شمال، تمثیل، ارسال مَثَل، مشروطه.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

۱- پست الکترونیکی نویسنده مسئول: rezamoosabady@yahoo.com

۲- پست الکترونیکی: mahdinovrooz@yahoo.com

مقدمه

شاعران دورهٔ مشروطه با آگاهی از قدرت کلام و ادبیات، ضمن حفظ ساختار کلاسیک شعر، از تمثیل و ارسال مَثَل به عنوان عنصری برای بیداری توده‌های مردم بهره گرفتند. در حقیقت تمثیل و ضرب‌المثل همواره مورد توجه شاعران و نویسندگان ایران زمین بوده و هست؛ زیرا آنان گاه برای عمق بخشیدن به سخن خود و زیبایی‌آفرینی و گاه به دلیل جبر و خفقان حاکم بر روزگار خویش هم‌چون عصر مشروطه و به طور کلی غلبهٔ حس ترس به دامن تمثیل متوسل شده‌اند. بی‌جهت نیست که علامه همایی می‌نویسد: «بزرگ‌ترین سرمایهٔ ادب فارسی همین امثال است که تمام حکمت‌ها و دانش‌های بشری را متضمّن است؛ مَثَل فشردهٔ افکار هر قومی است» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۴۴-۱۴۳). سید اشرف الدین حسینی روزنامه‌نگاری ادیب و منتقدی مصلح و در شمار آزادی خواهان و انقلابیون عصر مشروطه که از نزدیک شاهد درد و رنج مردم ستم‌دیده و بیداد حاکمان نالایق زمان خود می‌باشد با استفاده از زبان هنری تمثیل و طنز، اوضاع نابسامان دورهٔ خویش را به باد انتقاد می‌گیرد. در عصر مشروطه، شاعران نیز هم‌چون دیگر قشرهای جامعه به انقلاب مشروطیت پیوستند و نقش بزرگی در پیروزی انقلاب مشروطه ایفا کردند. آنان به میان مردم آمدند و مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را در قالب شعر به تصویر کشیدند. بنابراین، محتوا و مضامین اشعارشان با توجه به شرایط جامعه نسبت به دوره‌های پیشین تغییر یافت و مفاهیمی چون وطن، آزادی، مردم و سیاست در اشعارشان تکرار و پررنگ شد. ویژگی مهم ادبیات دورهٔ مشروطه استفاده از زبان محاوره‌ای و ساده برای ارتباط فکری با توده‌های مردم بود. در حقیقت شعر مشروطه ساده شد تا پیام انقلاب یعنی آزادی، استقلال و حاکمیت قانون بر عامهٔ مردم قابل فهم باشد و البته سادگی آثار ترجمه شده از غرب نیز در سادگی شعر این دوره مؤثر بوده است. از جمله شاعران متعهد و آزادی‌خواه عصر مشروطه، سید اشرف الدین گیلانی است که به دلیل مردمی بودنش، اشعارش را به زبان عامیانه - همراه با تمثیل و ارسال مَثَل - بیان کرده است؛ تا مبادا افکار انسانی و آزادی‌خواهش ممنوع‌النشر گردد و به گوش همگان نرسد و خفتگان را بیدار نکند. وی در حقیقت یکی از معدود شاعران عصر مشروطه می‌باشد که نقش بارزی در روشنگری این دوره تاریخی داشته است؛ کمتر تحوّل در عصر مشروطه صورت گرفته است که نسیم شمال دربارهٔ

آن، شعر در قالب تمثیل و ارسال مَثَل نسروده باشد. «شعرایی که گوشه چشمی به قشر عظیمی از توده مردم، خصوصاً خوانندگان عوام داشتند- تلاش برای مشروطیت، یکی از خصایص اصلی شعر آنهاست- نظیر عارف، عشقی، سیداشرف (نسیم شمال)، فرّخی یزدی، دهخدا و بهار» (حسینی کازرونی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). طنز و طنزپردازی در قالب تمثیل و ضرب‌المثل یکی دیگر از هنرهای بی‌بدیل سیداشرف‌الدین حسینی در عصر مشروطه است که او را نسبت به دیگر شاعران هم‌عصرش متمایز ساخته تا جایی که گاه برای بیان اهداف خود به شیوه شاعران و نویسندگان گذشته از زبان حیوانات به شیوه تمثیل نیز استفاده کرده است.

بیان مسئله

با دقت و تأمل در اشعار و تصاویر تعلیمی مطرح شده در دیوان اشعار سیداشرف‌الدین حسینی، نشانه‌های فراوانی از به‌کارگیری تمثیل و ارسال‌مَثَل در بیان آموزه‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را می‌توان در نگارش این اثر گرانسنگ استنباط نمود. می‌توان گفت که وی برای تبیین مضامین و آموزه‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی خود، از تمثیل‌های ادبی به عنوان یک منبع و آبشخور اصیل و ارزشمند غافل نمانده است؛ ایشان برخی از تمثیل‌های مطرح شده در خصوص تصاویر تعلیمی را در دیوان خود، بر پایه الگوگیری از آموزه‌های دینی و قرآنی نیز تدوین نموده است. این مقاله از رهگذر این نظریه تلاش می‌کند تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بیان تمثیل‌ها و ارسال‌مَثَل‌های موجود در دیوان اشعار نسیم شمال، پاسخ مناسب این پرسش‌ها را بیابد که:

- ۱- بسامد تمثیل و ارسال‌مَثَل در شعر نسیم شمال تا چه میزان است؟ ۲- میزان نوآوری سیداشرف‌الدین حسینی در ساختار و مضمون تمثیل‌ها چگونه است؟ ۳- اوضاع اجتماعی - سیاسی عصر مشروطه چه تأثیری بر تمثیل‌های به‌کاربرده شده در شعر نسیم شمال گذاشته است؟ ۴- میزان کاربرد آرایه ادبی تمثیل و ارسال‌مَثَل به کار رفته در دیوان اشعار نسیم شمال در بیان مضامین تعلیمی با مسائل و مباحث روزمره دنیای امروز بشری تاچه حد هماهنگی و تطابق دارد؟ ۵- آیا سیداشرف‌الدین جنبه اعتدال را در کاربرد تمثیل و ارسال‌مَثَل رعایت نموده است یاخیر؟

پیشینه پژوهش

از آن‌جا که سید اشرف الدین یکی از بزرگترین شاعران و طنزپردازان ادب فارسی در عصر مشروطه است و با نفوذ در سیاست و جامعه، نقشی اساسی در بیداری اذهان مردم زمان خویش داشته است، تاکنون پژوهش‌های گوناگونی پیرامون این شاعر بزرگ عرصه زبان و ادب فارسی در عصر مشروطه اعم از مقاله، کتاب و رساله نگاشته شده است. در این میان می‌توان به مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل اشاره نمود: «زندگی و شعر سید اشرف الدین گیلانی» (پایان نامه کارشناسی ارشد احمد رضا قدیریان از دانشگاه یزد مجتمع علوم انسانی، ۱۳۷۸)؛ «بررسی شعر اعتراض در اشعار سید اشرف الدین گیلانی» (پایان نامه کارشناسی ارشد فرهاد عثمانی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ۱۳۹۰)؛ «بازخوانی جامعه‌شناختی نظریه بلاو در شعر سید اشرف الدین گیلانی» (محمود رنجبر و علی صفایی، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳)؛ (سبک و سیاق شعر مشروطه، سید احمد حسینی کازرونی، فصلنامه تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، دوره دوم، شماره یک، تابستان ۱۳۸۹)؛ ولی متأسفانه اثر مستقلی در باب جلوه‌های تمثیل و ارسال مَثَل در شعر نسیم شمال پرداخته نشده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

بی‌تردید تأمل و تحقیق در جلوه‌های تمثیل و ارسال مَثَل در دیوان سید اشرف الدین حسینی یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر است؛ هر چند پژوهش‌هایی درخور و ارزنده درخصوص زندگی، آثار و شعر نسیم شمال در قالب مقاله و پایان‌نامه به زیور طبع آراسته شده است؛ اما هیچ‌یک از این پژوهش‌ها در مورد جلوه‌های تمثیل و ارسال مَثَل در شعر نسیم شمال صورت نگرفته است؛ بنابراین ضرورت انجام چنین پژوهشی در حوزه زبان و ادبیات فارسی احساس می‌شود. با توجه به این که عصر مشروطه به سبب اوضاع سیاسی و اجتماعی خاص خود بر شعر فارسی تأثیر گذاشته است، بررسی تمثیل‌ها و ارسال مَثَل‌های این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقاله حاضر تلاش دارد تا تمثیل‌ها و ارسال مَثَل‌های به‌کار رفته شده در اشعار نسیم شمال را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

روش تحقیق

این تحقیق در علوم انسانی و حوزه‌های نقد ادبی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. بدین ترتیب که ابتدا تمام اشعار دیوان سیداشرف الدین حسینی بررسی گردید و پس از فیش برداری، اشعار تمثیلی و دارای ارسال مَثَل مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت.

بحث

تمثیل و ارسال مثل

در تعریف مَثَل بسیاری از مَثَل‌نویسان و علمای علم بلاغت، تاکنون ده‌ها تعریف از مَثَل ارائه داده‌اند که هیچ کدام جامع و کامل نیست و تنها بر یک یا چند ویژگی آن دلالت دارد. صاحب دستور دبیری می‌نویسد: «مَثَل، سخنی پسندیده و کوتاه بود که به روزگار در واقعه‌ای گفته باشند و امروز همان عبارت بر امثال آن می‌رانند» (میهنی، ۱۹۸۷: ۳۶). اما ابوالفضل میدانی، صاحب کتاب مجمع‌الامثال می‌نویسد: «مَثَل چیزی است که بدان مانده شده باشد؛ یعنی بدان تشبیه شده باشد» (میدانی، ۱۹۸۹: ۶). تمثیل: «مصدر عربی است به معنی مَثَل آوردن، تشبیه کردن چیزی به چیزی، نگاشتن پیکرنگاشته مانندپیکری، تمثال، مثل و مثال و داستان و افسانه و کنایه؛ تقلید و در آوردن شبیه. در المعجم درباره تمثیل آمده است: از جمله استعارات است؛ الا آن که این نوع، استعارتی است به طریق مثال یعنی چون شاعر خواهد که به معنی اشارتی کند، لفظی چند که دلالت بر معنی دیگر کند، بیارد و آن را مثال معنی مقصود سازد و از معنی خویش بدان مثال عبارت کند و این صنعت خوش‌تر از استعارات مجرد باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۶۹۷۰). ابعاد زیبایی‌شناسی امثال فارسی بسیار گسترده است و همین جنبه‌های بلاغی و ادبی آن باعث شده است تا محققان، تمثیل و ارسال مَثَل را یکی از گونه‌های ادبی به‌شمار آورند. «مَثَل‌ها، نقطه اتصال فرهنگ عوام و خواص هستند. در حوزه ادب رسمی و مکتوب، آن‌جا که شاعر خود را به زبان و فرهنگ مردم نزدیک می‌کند، وقتی است که از مَثَل‌های آنان در قالب ارسال مَثَل بهره می‌گیرد؛ از سویی مَثَل‌ها نزدیک‌ترین گونه به ساحت‌های ادب رسمی؛ یعنی شعر و نثر فصیح و بلیغ است؛ زیرا تمام ویژگی‌های اثر هنری را در خود دارد. شعر و

مَثَل همسایه دیوار به دیوارند، شاعران و نویسندگان همواره برای آن که به لطف و شیرینی و رسایی کلام خود بیفزایند، از مَثَل بهره جسته‌اند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۵۲). اما گاه در علم بلاغت، تمثیل، «تصویر» یا «مجازی» تلقی می‌شود که گوینده به وسیله آن چیزی می‌گوید؛ اما مقصودش چیز دیگری است. به همین دلیل علمای بلاغت در دوره کلاسیک و قرون وسطی و رنسانس حتی طنز را نیز از نمونه‌های تمثیل می‌شمارند؛ اما مهم‌ترین نوع تمثیل را با عنوان استعاره گسترده تعریف کرده‌اند. در کتب بلاغی از جمله آثار سکاکاکی و خطیب قزوینی، تمثیل را در زیرتشبیه تعریف کرده‌اند. «یعنی تمثیل، تشبیهی است که وجه شبه آن از چند امر منتزع شده باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۱). در ترجمان‌البلاغه نیز در تعریف مَثَل این‌گونه آمده است که: «یکی از جمله بلاغت آن است که شاعر اندر بیت، حکمتی گوید، آن به راه مَثَل بود» (رادویانی، ۱۹۴۹: ۸۴). البته نویسندگان و عالمان علم بدیع، چنین کاربردی را در شعر و نثر «ارسال مَثَل» نامیده‌اند؛ بنابراین از جمع‌بندی این تعاریف، می‌توان گفت: تمثیل، عبارت است از ارائه دادن یک موضوع تحت صورت ظاهر موضوع دیگر؛ اما به شیوه‌ای ادبی درلباس و هیأت ساختگی که با فکر و موضوع اصلی قابل قیاس باشد و مَثَل عبارت است از: «جمله‌ای کوتاه، گاه استعاری و آهنگین، مشتمل بر تشبیه، با مضمون حکیمانه و برگرفته از تجربیات مردم که به واسطه روانی الفاظ و روشنی معنا و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار خود به کار برند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۲).

تمثیل و ارسال مَثَل در شعر نسیم شمال

«درج یک یا دو مَثَل در شعر را ارسال مَثَل یا ارسال‌المثلین می‌گویند. شاعر گاه عین مَثَل یا مضمون مَثَل را در شعر خود می‌آورد و گاه نیز خود شعر به دلیل شهرت و رواج، مَثَل می‌شود. ارسال مثل یا تمثیل متفاوت است؛ زیرا ارسال مَثَل، کاربرد ضرب‌المثلی است که از قبل وجود داشته است، اما تمثیل، تنها ذکر مثالی برای اثبات یا استحکام اندیشه‌ای است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۵۸).

مَثَل به عنوان یکی از اقسام ادبی، محل توجه شاعران بوده است تا جایی که کاربرد آن به همراه تمثیل و استشهاد، یکی از ویژگی‌های سبکی در تاریخ ادب فارسی به شمار می‌آمده است. در

دوره‌های تاریخی ادب فارسی، رویکرد شاعران به مَثَل یکسان نبوده است و هر چه خطّ سیر تاریخ ادبیات را از آغاز تا کنون ادامه می‌دهیم، در سده‌های اخیر، به دلیل پیوند بیشتر ادبیات با زبان و فرهنگ عامه، این رویکرد پررنگ‌تر می‌شود. مَثَل‌ها مبتنی بر تجربیات مثبت و منفی طولانی قومی است که افراد در تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی خود از آن استفاده می‌کنند. «معنی و مفهوم مَثَل زمانی تحقق می‌یابد که یکی از تجربه‌های زندگی بارها برای نسل‌های پیاپی پیش آمده باشد، نمودار همه موارد مشابه دیگر شمرده شود» (زل‌هایم، ۱۳۸۱: ۱۶).

سید اشرف‌الدین حسینی یکی از شاعران عصر مشروطه، افزون بر انعکاس امثال رایج در اشعار خود، از تمثیل‌ها و مَثَل‌های تازه‌ای در ادب فارسی رونمایی کرده است. او از جمله شاعرانی است که مَثَل و تمثیل در اندیشه او جایگاه ویژه‌ای دارد که در ادامه به برخی از این تمثیل‌ها و ارسال مَثَل‌ها در دیوان شعر نسیم شمال پرداخته شده است.

ارسال مَثَل «شتر در خواب بیند پنبه دانه، گهی قپ قپ خورد گه دانه دانه»

این ضرب‌المثل برای افراد خیال‌پرور و رؤیایپردازی به کار می‌رود که همیشه در سر هزاران رؤیا می‌پروراند و با خوش‌خیالی، آرزوهای دور و درازی دارند. نسیم شمال نیز در یکی از اشعار خود ارسال مَثَل «شتر در خواب بیند پنبه دانه، گهی لپ لپ (قپ قپ) خورد گه دانه دانه» را به صورت طنز در خصوص اوضاع نابسامان عصر مشروطه و فقر و بیداد حاکم بر ایران در دوره قاجار به زیبایی به کار برده است.

همیشه تشنه، نهر آب بیند	گرسنه، نان سنگک خواب بیند
برهنه، خرقة سنجاب بیند	مقصر، خواب بیند تازیانه
شتر در خواب بیند پنبه دانه	گهی قپ قپ خورد گه دانه دانه

(حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: ۳۷۳)

ارسال مثل «خواب خرگوشی»

خواب خرگوشی به خوابی گفته می‌شود که یکی از دو چشم یا هر دو نیم‌باز باشد و در ادب

پارسی کنایه از تغافل، غفلت و بی‌توجهی به اطراف می‌باشد. نسیم شمال نیز از این ضرب-المثل دقیقاً با همین معنا در شعرش بهره برده است. او بی‌توجهی مردم به ظلم و بیداد آشکار در جامعه را مورد نکوهش قرار داده، مردم جامعه را در خواب خرگوشی می‌بیند و می‌گوید:

مست و مدهوش که هشیار نگردد مائیم	راه مغشوش که هموار نگردد مائیم
خواب خرگوش که بیدار نگردد مائیم	رمز سربسته که اظهار نگردد مائیم
ظاهراً زنده ولی باطن و عنوان مُرده	داد و بیداد مگر این همه انسان مُرده

(همان: ۲۱۹)

ارسال مَثَل «بی رنج، گنج میسر نمی‌شود»

سید اشرف الدین گیلانی در یکی از اشعار تعلیمی خود، مضامین اخلاقی بسیاری را در قالب تمثیل و ارسال مَثَل‌های ایرانی به زیبایی بیان نموده است. او یکی از کامیاب‌ترین چهره‌ها در عصر مشروطه می‌باشد که توانست در بیان نکات اخلاقی و تعلیمی و استفاده از تمثیل و ارسال مَثَل از شاعرانی چون نظامی گنجوی، سعدی و فردوسی تأثیرپذیرد. این تأثیرپذیری در دو سطح لفظ و محتوا نمود دارد. نسیم شمال در این شعر از ارسال مَثَل معروف نظامی گنجوی اقتباس نموده است: «نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود، مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد».

نیافته است کسی گنج بی مرارت و رنج علی‌الخصوص در این عصر پرزپیچ و شکنج
(همان: ۷۲۲)

قرآن کریم نیز در این خصوص با تأکید بر این نکته اخلاقی که در پی هر رنج و سختی بدون شک گنج آسایش و راحتی نصیب انسان خواهد شد، می‌فرماید: (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) (الشرح/ ۶-۵) پس بی‌تردید با دشواری، آسانی است؛ [آری] بی‌تردید با دشواری، آسانی است.

ارسال‌مثل «گنج بی‌مار و گل بی‌خار نیست، شادی بی‌غم در این بازار نیست»
چو کوه در هوس گنج بی‌طلسم مرو که ازدهای سیاه است در مقابل گنج
(همان)

ارسال‌مثل «ای که دستت می‌رسد کاری بکن، پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار»
نسیم شمال در یکی از اشعار دیوان خود بیتی از سعدی شیرین‌سخن به صورت اقتباس در
قالب ارسال‌مثل آورده است؛ او با بهره‌گیری از این ضرب‌المثل مشهور و عامیانه، افق دید
مخاطب خود را به سوی قیامت جلب و انجام عبادت و نکوکاری قبل از رسیدن زمان مرگ را
به او گوشزد می‌نماید و می‌گوید:

ای پسر فکر عبادت باش بی‌عاری مکن در خیال کسب و طاعت باش بیکاری مکن
فکر فردای قیامت باش عیاری مکن تا که دستت می‌رسد غیر از نکوکاری مکن
(همان: ۳۵۹)

ارسال‌مثل «هر کس به فکر خویشه، تو هم به فکر خود باش»
سید اشرف الدین با بهره‌گیری از ضرب‌المثل مذکور در شعرش، این نکته را متذکر می‌شود که
نباید در زندگی به دیگران امیدوار و متکی بود؛ زیرا در این دنیای وانفسا هر کس به فکر
گذراندن امور زندگی خود و رسیدن به مقصود خویش است. این ارسال‌مثل در میان عامه مردم
به صورت تلفیقی و طنزآمیز به گونه‌ای دیگر نیز رواج یافته است: «هر کس به فکر خویشه،
کوسه به فکر ریشه».

در روزگار، هر کس مشغول کار خویش است بلبل به نغمه خوانی، عقرب به فکرنیشت
ریشو به فکربی ریش کوسه به فکرنیشت هر کس به فکر خویشه توهم به فکر خود باش
(همان: ۲۲۲)

ارسال‌مثل «آن‌چه شیران را کند روبه مزاج، احتیاجست احتیاجست احتیاج»
یکی از مهم‌ترین هنرهای نسیم شمال در شعر و شاعری، ابداع و به‌کارگیری مثل برای

شیرین‌تر شدن کلام است. او در یکی از سروده‌هایش درباب ارزش علم و علم‌آموزی، مَثَل زیبای مذکور را به‌کار می‌برد که بعدها به‌صورت طنز با کمی تغییر این‌گونه در فرهنگ عامه مردم به کار برده شد: «آن‌چه شیران را کند روبه مزاج، ازدواج است ازدواج است ازدواج».

از برای علم، عالم خوار شد	موجد ارض و سما علم است علم
احتیاجست آنکه ما را خوار کرد	رفع مایحتاج ما علم است علم
آنکه شیران را کند روبه مزاج	احتیاجست احتیاجست احتیاج

(همان: ۴۰۸)

ارسال مَثَل «تیشه به ریشه خود زدن»

نسیم شمال در یکی از اشعار خود در نصیحت و پند و اندرز به حکما، در قالب این ضرب‌المثل متذکر می‌شود که انسان عاقل و مأل‌اندیش، بایستی به اندرز و تجربیات حکیمان پیش از خود گوش دهد تا به رستگاری نائل آید؛ زیرا در غیر این صورت، تیشه به ریشه خود زده و از لطف پروردگار محروم می‌گردد.

آدمِ عاقلِ مأل‌اندیش	نزند تیشه را به ریشه خویش
نهد خود به خود حنا بر ریش	حکما آنچه گفته‌اند از پیش
گوش کن تا که رستگار شوی	لایق لطف کردگار شوی

(همان: ۴۷۹)

ارسال مَثَل «غم مخور یا هو که این هم بگذرد»

برخی از جملات در فرهنگ ایرانی به دلیل بسامد بالا در کاربرد آن به وسیله عامه مردم به صورت ضرب‌المثل و به گونه‌های متفاوت اما با یک مضمون مشترک به کار برده می‌شوند. مَثَل مذکور نمونه‌ای از مَثَل‌هایی است که به دلیل فراوانی کاربرد در میان نوشته‌های شاعران و نویسندگان و به تبع آن استفاده در فرهنگ ایرانی به صورت ارسال‌مثل درآمده است.

طلعت ماه مبارک شد پدید	روزه خواران را مصیبت شد پدید
هست اگر گرمای تابستان شدید	غم مخور یا هو که این هم بگذرد

(همان: ۴۷۴)

ارسال مَثَل «با آل علی هر که درافتاد، ورافتاد»

نسیم شمال در مدح اهل بیت (ع) اشعار زیبایی سروده است که برخی از مصراع‌های آن به عنوان ضرب‌المثل در افواه عامه مردم به‌کار می‌روند. او در یکی از مسمط‌های خود به توصیف خراسان و مدح امام رضا (ع) پرداخته، ارسال مثل معروف «با آل علی هر که درافتاد، ورافتاد» را به عنوان مصرع مسمط خود به کار برده است.

دیشب به سرم باز هوای دگر افتاد درخواب مراسوی خراسان گذر افتاد
چشمم به ضریح شه والاگهر افتاد این شعر همان لحظه مرا در نظر افتاد

با آل علی هر که درافتاد ورافتاد (همان: ۴۵۷)

تمثیل «وکیلان مجلس شورای ملی به ماری خوش خط و خال»

نسیم شمال تمثیل زیبای مارخوش خط و خال را برای وکیلان دورو و منافق مجلس شورای ملی در عصر مشروطه به کار برده است؛ مار خوش خط و خال در ادب فارسی «کنایه از آدم خوش ظاهر بد باطن [می‌باشد]» (ثروت، ۱۳۷۹: ۴۴۲).

مار خوش خط‌خالید ای وکیلان جلیس ظاهراً با ما انیس
(همان: ۵۷۹)

تمثیل «دشمنان ایران به شمع در سرافکنندگی»

دشمن ایران چو شمع، محو و سرافکننده باد بزرگ و کوچک همه در بر او بنده باد
(همان: ۵۵۴)

تمثیل «راست به آفتاب تابان و دروغ به مرغ شب‌کور»

نسیم شمال در یکی از اشعار تعلیمی خود در توصیف راست و دروغ، به صورت گفت‌وگو و مناظره، راست و راست‌گویی را عین یک‌رنگی و به مَثَل آفتاب تابانی می‌داند و در مقابل آن، تمثیل زیبای مرغ شب‌کور را برای دروغ و دروغ‌گویان به کار برده که همواره از روشنایی

وحشت داشته از آن دوری می‌نمایند.

راستی گفت با دروغِ دورنگ	چون منم همچو اهلِ حقِ یکرنگ
این دورنگانِ زمنِ گریزانند	قدر من اهلِ علم می‌دانند
راستی آفتاب تابان است	مرغ شبکور از او گریزانست

(همان: ۷۹۹)

تمثیل «عقل در مغز به پادشاه در مُلک وجود»

بسیاری از نویسندگان و شاعران، تعبیر و تمثیل‌های متفاوتی را در توصیف عقل در آثارشان به‌کار برده‌اند. برخی هم‌چون سنایی غزنوی، عقل را تمثیلی از پیامبر درونی انسان‌ها شمرده‌اند و برخی نیز هم‌چون سعدی، عقل و خرد را تمثیلی از مشعلی فروزان می‌دانند که به‌وسیله آن می‌توان راه را از بی‌راهه و خوبی را از بدی متمایز دانست؛ اما نسیم شمال تمثیل متفاوتی را در دیوان اشعارش در خصوص عقل و خرد به‌کار برده است. وی در پایان یکی از اشعارش به صورت نثر، عقل را در وجود انسان هم‌چون پادشاهی می‌داند که فرمان‌دهنده انسان به خوبی و بدی است.

او در جوانی ازدواج نمودن را نشانه عقل و درایت فرد دانسته می‌گوید: «البته عقل در مغز هر انسانی مَثَل پادشاه در مُلک وجود حکم می‌کند که باید به جهت آسایش زندگانی در جوانی به زودی زن اختیار کند» (همان: ۷۸۴). عقل «نعمت بی‌بدیل غیراختیاری است که در اختیار هر انسانی قرار داده شده است؛ اما بسیاری از این نعمت بزرگ، بهره‌برداری صحیح و شایسته‌ای نکرده‌اند» (مکارم شیرازی، ج ۲، ۱۳۸۱: ۲۷۰).

تمثیل «شیراز به چراغ ایران زمین»

سید اشرف الدین اهمیت زیادی برای شاعران، حکیمان و دلیران ایران زمین قائل می‌باشد. او در شعرش، تمثیل زیبای چراغ ایران را برای شهر شیراز که همواره مهد دلیران ایران زمین، حکیمان و شاعرانی چون حافظ و سعدی بوده است به کار می‌برد.

شهر شیراز، چراغ همه ایران بوده جای شاهان و حکیمان و دلیران بوده در
حافظ وسعدی از آن خاک نمایان گشتند میان شعرا منزل شیران بوده
(حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: ۵۶۹)

تمثیل «قلم به حضرت یوسف و یعقوب در صبر و پایداری»

با توجه به این که بسیاری از نوشته‌های نسیم شمال چه در روزنامه‌اش و چه در اشعارش نسبت به حکومت عصر مشروطه بسیار تند و در نگاه حکومت فتنه‌انگیز بوده است؛ لذا او در یکی از اشعارش مجازاً خطاب به قلم خود، تمثیل حضرت یوسف و یعقوب (ع) را در صبر و بردباری در نویسندگی به کار می‌برد و دلیل این تمثیل را نیز عدم آزادی بیان در عصر مشروطه بیان می‌نماید.

ای قلم تا می‌توانی در قلمدان صبر کن یوسف آسا سالهادر کنج زندان صبر کن
همچو یعقوب حزین در بیت الاحزان صبر کن کور شو بیرون نیا از شهر کنعان ای قلم
(همان: ۴۷۴)

نسیم شمال در بیتی دیگر تمثیل شهسواران را برای قلم به کار برده است. شهسوار در لغت به معنی: «سوار دلآور، چالاک، دلیر و ماهر در اسب‌سواری [می‌باشد]» (عمید، ۱۳۶۰: ۶۸۹).
ای قلم چون شهسواران خویش را جولان مده گر که جولان می‌دهی در صفحه تهران مده
(حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: ۲۳۳)

تمثیل «انسانِ ظالم به حیوان درنده و حمارِ عدل و تمثیلِ خر در بی‌علمی»

سید اشرف‌الدین بار دیگر بی‌پروا بر انسان‌های ظالم خشم می‌گیرد و آنان را بی‌خبر از خدا و قرآن کریم دانسته، تمثیل‌های حیوان درنده، حمارِ عدل و خر را در صفت بی‌علمی از مجازات آخرت برای آنان به کار برده است.

همچو حیوان درنده به قطار عدلی به خیالت که درین شهر سوار عدلی
خصم جان فقرا، فکر شکار عدلی ظالمی ظالم و در نام حمار عدلی...
تو ز آیات خدا بی‌خبری ای ظالم از مجازات ندیدی ضرری ای ظالم

هم ندیدی زشریعت اثری‌ای ظالم جهت آن است که بی علم و خری‌ای ظالم
(همان: ۶۰۸-۶۰۹)

تمثیل «حاتم طایی در بخشندگی»

عبارت حاتم بخشی یکی از مثال‌های مشهوری است که وردِ زبان خَاص و عام و تکیه‌کلام بسیاری از شاعران و نویسندگان قدیم و معاصر می‌باشد. این تمثیل در حق کسانی به کار می‌رود که در گشاده‌دستی، اندازه نگاه ندارند و برای بخشندگی نیز حدی قائل نباشند؛ این‌گونه افراد را حاتم‌صفت و عمل آنان را از باب تجلیل یا نکوهش به حاتم‌بخشی یا حاتم طایی تعبیر و تمثیل می‌کنند. نسیم شمال نیز در بسیاری از اشعارش، حاتم طایی را تمثیل بخشندگی دانسته و به ضرب‌المثل: «هر که نان از عمل خویش خورد، منت حاتم‌طایی نبرد» نیز نظر داشته است و معتقد است که نام و نشان هر کسی به سبب انجام کارهای نیک او در جهان زنده و باقی خواهد ماند؛ لذا شاعر با استفاده از تمثیل حاتم طایی، دلیل جاودانگی و ضرب‌المثل شدن نام حاتم را سخاوت و بخشندگی‌اش می‌داند و می‌گوید:

آدمی باقی است نامش از اثر	می فزاید احترامش از اثر...
گر چه حاتم منزلش در گور شد	از سخاوت نام او مشهور شد
از سخاوت نام او پاینده ماند	گر چه او مرده است نامش زنده ماند
هر کجا اسم سخاوت می‌برند	نامی از حاتم به رحمت می‌برند
اهل عالم را خدا رحمت کند	روح حاتم را خدا رحمت کند
چون سخاوت بود شیرین چون عسل	نام حاتم هم شده ضرب المثل

(همان: ۶۹۳)

تمثیل «یوسف و چاه برای روح و جسم»

نسیم شمال در یکی از اشعار تعلیمی خود، ضمن توصیف عیدِ فطر و فواید ماه مبارک رمضان، تمثیل بسیار زیبای یوسفِ جان و چاهِ تن را در جهت تزکیهٔ نفس در این ماه مبارک به کار برده، می‌گوید:

گر تو حکایات زیر خاک بدانی روزه بگیری همی نماز بخوانی
یوسف جان را زچاه تن برهانی ذات خدا باقی است و ما همه فانی
از مه نو آسمان بسته بلارک^۱ ماه مکرم نشسته جای مبارک
(همان: ۵۹۵)

تمثیل «انسان‌های منافق و دورو به ابوجهل در کافری و سلمان در مسلمانی»

نسیم شمال دلیل اصلی تمام مشکلات و مصیبت‌های عصر مشروطه را در بی‌علمی و بی‌سوادی عامه مردم می‌داند؛ زیرا او معتقد است که حاکمان زمانه، انسان‌های منافق و دورویی هستند که در عمل همه کافرند؛ اما به ظاهر، اسم مسلمانی را یدک می‌کشند. شاعر در برابر چنین انسان‌هایی فغان برآورده آنان را در باطن به ابوجهل و در ظاهر به سلمان تمثیل می‌زند و می‌گوید:

در رسم همه کافر و در اسم مسلمان باطن چو ابوجهل به ظاهر همه سلمان
اندر کف ماهیچ نه دین است ونه ایمان زان عهد گذشتیم شکسته همه پیمان
زیرا هوس علم در این آب وهوا نیست امروز چو ما هیچ کس انگشت نما نیست
(همان: ۶۹۴)

تمثیل «انسان‌های با ادب به یوسف پیامبر در بلندمرتبگی»

نسیم شمال در اشعار خود، همواره بر انسان‌های بی‌ادب و جاهل می‌تازد و بر آن‌ها خشم گرفته، آنان را خوار و ذلیل می‌شمارد؛ اما در عوض ادب را سرمایه خوبان دانسته، برای انسان‌های با ادب احترام خاصی قائل می‌باشد و تمثیل زیبایی به تخت نشستن حضرت یوسف (ع) از چاه به واسطه ادب را برای پیشرفت و ترقی چنین انسان‌هایی الگو قرار می‌دهد و می‌گوید:

با ادب باش که اندر همه جا یابی راه در قیامت نشود روی سفید تو سیاه

^۱ بلارک: فولاد جوهردار، شمشیر جوهردار، پراک هم گفته می‌شود.

همچو یوسف به سر تخت برآیی از چاه
 بادب باش که سرمایه‌خوبان ادب است
 آیه آیه همه جا سوره قرآن ادب است
 (همان: ۳۵۰)

نتیجه

سید اشرف الدین حسینی ملقب به نسیم شمال، هم‌زمان با حکمرانی سلاطین مستبد قاجار، مهارت خود را در ادبیات این مرز و بوم به نمایش گذاشت. وی با زبانی رسا و بیانی شیرین برای ایجاد نظم و امنیت و ساختن ایرانی آباد و مترقی، هم‌گام با دیگر اقشار جامعه با سلاح شعر و ادبیات به مبارزه پرداخت. او با زبان طنز آمیخته با تمثیل و کنایه، مشکلات اجتماعی و سیاسی مملکت را در روزنامه خود منعکس می‌ساخت و برای بیان اهداف خود با زبانی نزدیک به زبان عامه مردم، شعر سرود و خیلی زود در قلب مردم جا گرفت؛ زیرا هیچ‌گاه پا را از حوزه ادب فراتر نهاد و هرگز لب به الفاظ رکیک و دشنام ن‌گشود. به اصول اخلاقی و مذهبی پایبند بود به گونه‌ای که اگر سراسر دیوان او را بررسی کنند، واژه‌ای زشت و مستهجن و دور از ادب یافت نمی‌شود. اشرف الدین هم‌چون شاعران دیگر این سرزمین برای بیان مقاصد خود، اشعارش را با آرایه‌های ادبی مزین می‌کند. آرایه تمثیل و ارسال مَثَل، یکی از بارزترین آرایه‌های به‌کار رفته در دیوان اشعار اوست. تجربه نشان داده است که شاعران، گاه برای عمق‌بخشیدن به سخن خویش و گاه به دلیل خفقان و جبر حاکم بر دوره خویش و گاه به دلیل زیبایی سخن و تأثیرگذاری بیشتر، از آرایه ادبی تمثیل و ارسال مَثَل بهره برده‌اند. نسیم شمال نیز شاید به دلایل سیاسی و خفقان حاکم بر زمانه خویش، از این قاعده مستثنی نبوده است و سراسر دیوان او مشحون از آرایه‌های ادبی هم‌چون تمثیل، ارسال مَثَل، تشبیه، کنایه و... است؛ هرچند مفاهیم تمثیل و ارسال مَثَل در عصر مشروطه به‌ویژه در دیوان نسیم شمال نسبت به دوره‌های ماقبل متفاوت می‌شود و رنگ و بوی سیاست به خود می‌گیرد؛ اما بسیاری از تمثیل‌ها و ارسال‌مَثَل‌های به‌کار رفته شده در دیوان نسیم شمال، بیشتر عامیانه و مقتبس از اشعار شاعرانی چون سعدی، فردوسی و نظامی گنجوی بوده و کاربرد آن‌ها نیز در میان عامه مردم از بسامد بالایی برخوردار بوده و هم‌چنین با فرهنگ و جامعه ایرانی در عصر حاضر نیز هماهنگی

و مطابقت دارد. استفاده از تمثیل در قالب مناظره برای بیان افکار انتقادی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های بارز دیوان نسیم شمال است؛ این مناظرات بین پدر و پسر، مادر و دختر، وزیرزاده و بقال زاده و یا حیوانات و گیاهان گوناگون می‌باشد؛ این مناظرات در قالب تمثیل و ارسال مثل و در نهایت سادگی و روانی کلام سروده شده‌اند و با تمثیل آمیخته با طنز، مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را به مخاطب خود منتقل می‌نمایند. تمثیل‌های امروزی و عامیانه نیز در دیوان شاعر بسامد بالایی دارد و دلیل این امر، انتخاب زبان عامیانه و کوچه و بازار در شعر شاعر می‌باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ثروت، منصور، (۱۳۷۹)، **فرهنگ کنایات**، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.
۲. حسینی کازرونی، سید احمد، (۱۳۸۹)، **سبک و سیاق شعر مشروطه**، فصلنامه تحقیقات زبان و ادبیات تعلیمی بوشهر، تابستان ۸۹، دوره دوم، شماره یک، ۱۱۵-۱۳۶.
۳. حسینی گیلانی، سید اشرف الدین، (۱۳۷۱)، **جاودانه نسیم شمال**، به کوشش حسین نمینی، تهران: انتشارات اساطیر. چ دوم.
۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، **لغت نامه دهخدا**، چ دوم دوره جدید، تهران: مؤسسه دانشگاه تهران.
۵. ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۹)، **زیبایی‌شناسی ضرب‌المثل‌های فارسی**، مجله بوستان ادب، تابستان ۸۹، دوره دوم، شماره دوم، ۵۱-۸۲.
۶.، (۱۳۸۶)، **طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌های فارسی**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۵(۱۵)، بهار ۸۶، ۳۱-۵۲.
۷.، (۱۳۹۴)، **کاربرد ضرب‌المثل‌های فارسی در غزلیات بیدل**، ادب فارسی، پاییز و زمستان ۹۴، دوره پنجم، شماره دوم، ۷۶-۵۷.
۸. رادویانی، محمد بن عمر، (۱۹۴۶ م)، **ترجمان البلاغه**، به اهتمام احمد آتش، استانبول: چاپخانه ابراهیم.
۹. زل‌هایم، رودلف، (۱۳۸۱)، **امثال کهن عربی**، ترجمه احمد شفیعی‌ها، تهران: نشر دانشگاهی.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، **صور خیال در شعر فارسی**، چ هشتم، تهران: آگه.
۱۱. عمید، حسن، (۱۳۶۰)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۱)، **مثال‌های زیبای قرآن (امثال‌القرآن)**، دوجلدی، به کوشش ابوالقاسم علیان نژادی، قم: انتشارات هدف.

۱۳. میدانی، ابوالفضل، (۱۹۸۷)، مجمع‌الامثال، به تحقیق ابوالفضل ابراهیم، چهارجلدی، بیروت: دارالجبیل.
۱۴. میهنی، محمدبن عبدالخالق، (۱۹۶۲)، دستور دبیری، به تصحیح عدنان صادق ارزی، نشر آنقره.
۱۵. همایی، جلال الدین، (۱۳۷۴)، معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: نشرهما.



**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**
Islamic Azad University- Bushehr Branch
No. 34/ Winter 2017

Sights exemplum and proverb in the poem of Sayed Ashrafodin Gilani*

Reza Mousa Abadi¹, Mehdi Norozi², Batol Fakhrsalam³

1- Ph. D student in Persian language and literature department, Neyshabour branch, Islamic Azad University, Neyshabour, Iran.

2- Department of Persian language and literature, Neyshabour branch, Islamic Azad University, Neyshabour, Iran.

3- Department of Persian language and literature, Neyshabour branch, Islamic Azad University, Neyshabour, Iran.

Abstract

Sayed Ashrafodin Gilani who is known as Nasim Shomal is one the most noticeable poets in democratic age which devoted his poem and prophecy into the social problems and political movements of his age. Despite the oppression and tyranny of Qajar's authoritarian rulers, he presented his human and liberalism thoughts with humor and using rhetorical techniques especially exemplum and proverb that were mostly political into the heart of the society. Exemplum and proverb is one of the most beautiful and accurate method of artistic speech and is louder than truth because in that human mind is transferred from essential into the requirement. Exemplum and proverb is one of the most important way of making beauty in poetry and the most natural way of expressing the ideas which can be founded many of its examples in Quran, ancient belief, social customs, public speech and etc. Exemplum and proverb like metaphor moves from real into the unreal but it keeps its true meaning, in such a way that the scholars believe that the true meaning in irony is allowed. Allegory is talking ironically and so-called resembling something into something else into the mind, omitting moshabah and replacing moshabaho be. So the present research aims to study exemplum and proverb in Nasim Shomal poems based on descriptive-analytical method.

Keywords: Nasim Shomal, Exemplum, Proverb, Constitutional

* Receive: 2017/08/11 Accept: 2017/1/6
E-Mail: rezamoosabady@yahoo.com